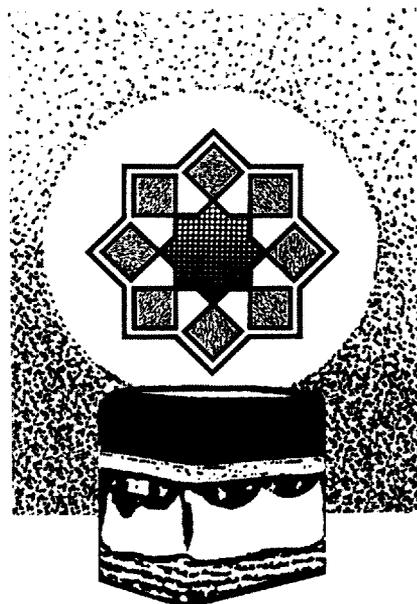


# پیوند حجّ با امامت و ولایت



سید جواد ورعی

از اموری که پیوند بسیار عمیق و مستحکم با «امامت و ولایت» دارد، «حج» است. حج که عبادتی است با ابعاد متنوع فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از آغاز تشریح در میان امت‌های گذشته، با امامت و رهبری پیوند داشته و تا ظهور واپسین امام و حجّت الهی نیز با آن عجین است. شاید در میان عبادات مختلف نتوان عبادتی جامع چون حج یافت که با مقوله امامت و رهبری تا این حد مرتبط باشد. در جای جای سرزمین وحی و حرم امن الهی و در متن معارف و مناسک حج، امامت حضوری جدی و ملموس دارد. در این مقاله مختصر، تلاش بر این است که جلوه‌ای از پیوند نمایانده شود تا آثار و برکات گوناگونی که بر آن مترتب می‌شود، مد نظر قرار گیرد و عواقب و خسارت‌هایی که محصول جدایی آنهاست، مورد غفلت قرار نگیرد.

## حضور «امامت» در بنای کعبه

الرحمان و فرزندش اسماعیل علیه السلام بنا گردید. ابراهیم از پیامبران اولوالعزم الهی، پس از آن که به مقام نبوت رسید، برای رشد و تعالی بیشتر و رسیدن به مقام «خلّت» و «امامت» در معرض

کعبه به عنوان خانه خدا و عبادتگاه او به امر الهی و به وسیله ابراهیم خلیل

آزمایش‌های متعدد و دشواری قرار گرفت. قرآن کریم با صراحت از این مطلب سخن می‌گوید و می‌فرماید:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>۱</sup>

این‌که ابراهیم با موفقیت در چه امتحاناتی صلاحیت احراز مقام «امامت» را یافت، میان مفسران اختلاف وجود دارد و مستند هر یک، روایاتی از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است.

در بعضی از روایات، ولادت اسماعیل در سنین کهولت پدر، بردن او مادرش هاجر به حجاز و رها کردن در آن سرزمین خشک و بی‌آب و علف و مأموریت یافتن برای ذبح اسماعیل در سنین جوانی، مصداق «کلمات» در آیه شریفه و امتحانات ابراهیم دانسته شده<sup>۲</sup>، در بعضی از روایات نیز از ماجرای ذبح اسماعیل<sup>۳</sup>، و در بعضی از روایات مأموریت او برای بنای خانه خدا و انجام مناسک حج به عنوان امتحاناتی که ابراهیم با آنها روبرو بوده<sup>۴</sup>، سخن گفته شده است.

به هر تقدیر، از مجموع روایات و آرای مفسران در این زمینه برمی‌آید: امتحاناتی که ابراهیم به خاطر توفیق در آنها، شایسته احراز مقام امامت شد، «ارتباط مستقیمی با خانه خدا و حج» دارد. توفیق او در بنای خانه خدا، بردن همسر و فرزندش به سرزمین حجاز و فراهم شدن زمینه‌های آبادی آن سرزمین با چشمه آب زمزم و اجتماع مردمان، بنای خانه خدا و تأسیس مرکز عبادت بندگان خدا، انجام اعمال و مناسک حج که تنها یکی از آنها به قربانگاه بردن فرزندش اسماعیل در سرزمین مناست و در یک کلمه «بنیان‌گذاری حج» او را شایسته مقام امامت نمود. حج حقیقتی بود که پیامبر و خلیل الهی آن را بنیان نهاد و از رهگذر آن به مقام امامت و رهبری نایل گشت. آیا از بنیان‌گذاری حج با این کیفیت و به دست چنین شخصی، نمی‌توان پیوندی عمیق میان حج و امامت را مشاهده کرد و به وجود رمزها و رازهای فراوان شهادت داد؟

البته از بعضی از روایات هم برمی‌آید که ابراهیم پس از نیل به مقام امامت، مأموریت یافت تا فرزندش

هستی که مردم به او اقتدا می‌کنند و اگر تو او را قربانی کنی، مردم نیز فرزندان خویش را قربانی می‌کنند.

ابراهیم با او سخنی نگفت و رو به فرزند آورد و با او دربارهٔ قربانی کردنش مشورت کرد و چون هر دو تسلیم امر پروردگار شدند، فرزند گفت: ای پدر، صورتم را ببوشان و دستانم را ببند.<sup>۵</sup>

## امامت در قرآن

امامت ابراهیم پس از گذر از عقبه‌های دشواری چون ذبح فرزند، چه معنا و مفهومی دارد؟ باید گفت دو احتمال در معنای امام متصور است:

الف - امام کسی است که در گفتار و کردار الگوی دیگران باشد و مردم در همهٔ شؤون زندگی به او اقتدا کنند؛ نیل ابراهیم به چنین مقامی، پس از بنیان‌گذاری کعبه و حج، نشانگر آن است که بارزترین عرصهٔ الگوگیری از ابراهیم، حج است و در انجام اعمال و مناسک حج، باید به او اقتدا کرد. در حج باید از همهٔ دلبستگی‌ها گذشت و تمام هستی خود را در دیار دوست به او سپرد، حتی اگر دلبستهٔ انسان فرزند باشد. ابراهیم چنین مقام و منزلتی

اسماعیل را به قربانگاه برد، گویا چنین ایثاری جز از عهدهٔ امام بر نمی‌آمد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ابراهیم پس از آن‌که اعمال را انجام داد و به منا آمد، مأمور ذبح فرزند شد، فرزند را به همراه خود می‌آورد که پیرمردی با او برخورد کرد و پرسید: ای ابراهیم، می‌خواهی با این پسر چه کنی؟ گفت: می‌خواهم او را ذبح کنم.

عرض کرد: سبحان الله! پسری را می‌خواهی ذبح کنی که لحظه‌ای مرتکب معصیت الهی نشده؟!»

فرمود: خداوند بدان امر فرموده است.

عرض کرد: پروردگار تو از این کار نهی می‌کند و شیطان تو را به این کار امر می‌کند.

فرمود: وای بر تو، آن کسی که مرا به این مقام رساند، مرا به این کار مأمور کرده و این سخن را در گوش من نهاد.

عرض کرد: نه به خدا سوگند، جز شیطان تو را به این کار دستور نمی‌دهد.

فرمود: نه به خدا سوگند، با تو سخن نمی‌گویم. سپس تصمیم بر ذبح فرزند گرفت.

پیرمرد گفت: ای ابراهیم، تو امام

را برای فرزندانش درخواست کرد، فرزندان ابراهیم نیز اگر نه به همه شوون امامت، لاقبل به پاره‌ای از آنها نایل شدند.

**ب - حکومت و ولایت بر مردم؛** یکی از شوون امامت، حکومت و ولایت بر مردم است. تفسیر دوّمی که از امام در آیه مبارکه شده، همین معناست، کسی که به تدبیر امور امت و سیاست آنها برخیزد و در جهت اصلاح امور جامعه، تأدیب متجاوزان به حقوق مردم، نصب کارگزاران حکومتی، اقامه حدود بر متخلفان و جنگ با دشمنان قدم بردارد. فرزندان اسماعیل به همین معنا امام بودند و سالیان دراز به حکومت و تدبیر

امور جامعه می‌پرداختند. امام صادق علیه السلام فرمود: «اسماعیل در سن یکصد و سی سالگی درگذشت و در کنار مادرش در جبر به خاک سپرده شد. فرزندان اسماعیل همواره والیان امر بودند، با مردم اقامه حج می‌کردند و به امر دین آنان برمی‌خاستند و یکی پس از دیگری جانشین شده و امارت را به ارث می‌بردند تا زمان عدنان بن ادد»<sup>۶</sup> به هر تقدیر، بنیان خانه خدا و مناسک حج، با امامت عجین است؛ چنانکه در طول تاریخ، تا ظهور حضرت بقیة الله اعظم (عج) نیز پیوندی ناگسستنی با امامت دارد.

### اسلام و پیوند دادن امامت با حج

پیوند کعبه و حج با امامت، به مرحله تأسیس و بنیان اولیه آن منحصر نیست، بلکه پیوندی مستمر میان آنها برقرار است؛ پیوندی که ایجاب می‌کند تا «امامت و رهبری جامعه» پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در سرزمین وحی و موسم حج، ابلاغ و تثبیت شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال دهم هجری مأموریت یافت تا برای اولین بار پس از تأسیس حکومت

اسلامی عازم سفر حج شود و اعمال و مناسک حج را در عمل به مردم آموزش دهد. «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»<sup>۷</sup> و صلا دهد که: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ» و در همین سفر مأموریت یابد که پیام الهی را مبنی بر امامت و رهبری علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان جانشین خویش به مردم ابلاغ کند؛ پیامی که بدون

از پیامبرانم و رسولی از فرستادگانم را قبض روح نکردم مگر بعد از کامل کردن دینم و تأکید بر حجت، در حالی که از دین تو دو فریضه بر تو باقی مانده که لازم است بر قومت ابلاغ کنی: فریضه حج و فریضه ولایت و خلافت پس از تو، من زمینم را از حجت خالی نگذاشتم و هرگز خالی نخواهم گذاشت، خداوند به تو امر می‌کند که حج را به قومت ابلاغ کنی و خود حج به جا آوری و هر که از مردم مدینه و اطراف آن و اعراب استطاعت دارد با تو حج گزارد و از نشانه‌های حجتشان به آنان بیاموزی؛ مانند آنچه که از نمازشان و زکاتشان و روزه‌شان به ایشان آموختی...».

آیا همین که پیامبر و فرستاده خداوند مأموریت می‌یابد تا دو امر مهم «مناسک حج» و «امامت و ولایت» جامعه را در یک سفر به مردم ابلاغ کند، حکایت از پیوند این دو حقیقت ندارد؟

پیامبر عازم سفر می‌شود، اعمال و مناسک حج را به جای می‌آورد، ابتدا در عرفات و سپس در منا و در اجتماع عظیم مسلمانان مأمور ابلاغ پیام دوم الهی (ولایت) می‌شود، اما در توطئه منافقان و دشمنان و «عدم پذیرش مردم» و تمرّد

ابلاغ آن، رسالتش را انجام نداده است. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْمَدِينَةِ وَقَدْ بَلَغَ جَمِيعَ الشَّرَائِعِ قَوْمَهُ غَيْرَ الْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ، فَاتَاهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَام فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ إِسْمُهُ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: إِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَائِي وَ لَا رَسُولًا مِنْ رُسُلِي إِلَّا بَعْدَ إِكْمَالِ دِينِي وَ تَأْكِيدِ حَجَّتِي وَ قَدْ بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ فَرِيضَتَانِ مِمَّا تَحْتَاجُ أَنْ تُبَلِّغَهُمَا قَوْمَكَ: فَرِيضَةُ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ الْإِخْلَاقَةِ مِنْ بَعْدِكَ، فَآتَيْتَنِي لَمْ أَخْلُ أَرْضِي مِنْ حَجَّةٍ وَ لَنْ خَلِيهَا أَبَدًا، فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ تَنَاوُهُ يَأْمُرُكَ أَنْ تَبْلُغَ قَوْمَكَ الْحَجَّ وَ تَحِجَّ وَ يَحِجَّ مَعَكَ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا مِنْ أَهْلِ الْخَضِرِ وَ الْأَطْرَافِ وَ الْأَعْرَابِ وَ تَعَلِّمَهُمْ وَ مِنْ مَعَالِمِ حَجَّتِهِمْ مِثْلَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَ زَكَاتِهِمْ وَ صِيَامِهِمْ وَ ...»<sup>۸</sup>

«رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مدینه عازم سفر حج شد، در حالی که همه احکام و شرایع دین، به جز حج و ولایت را ابلاغ کرده بود. جبرئیل نزد او آمده، گفت: ای محمد، خداوند بلند مرتبه سلامت می‌رساند و می‌گوید: من هیچ پیامبری

شده بود، این بار پیامبر اسلام مأموریت یافت که حج ابراهیمی را احیا کند و احیای آن جز به پیوندش با «امامت و رهبری» امکان‌پذیر نیست، از این رو پیامبر هر دو را با هم ابلاغ و احیای کند. حج از چنان فرصت و ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند ظرف ابلاغ پیام امامت و ولایت باشد؛ پیامی که ابلاغ آن با رسالت رسول خدا ﷺ گره خورده و عدم ابلاغ آن با عدم تبلیغ رسالت دین همسنگ است.

آنان بیم دارد، تا آن که خطابی توأم با بیم و امید صادر می‌شود که اگر این پیام را ابلاغ نکنی، گویا رسالتت را انجام نداده‌ای و ما تو را از مردم حفظ خواهیم کرد؛ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»<sup>۱</sup>.

بدین ترتیب، پس از مقطع بنیانگذاری کعبه و حج توسط ابراهیم و تداوم آن در طی سالیان متمادی که بار دیگر حج ابراهیمی به حج جاهلی بدل

### حج و ابلاغ پیام برائت

بت شکنی در پایگاه توحید راه و رسم ابراهیم است و او الگوی بشر، به خصوص امت اسلامی است. پیامبر عظیم الشان اسلام نیز مأمور بود تا به او تأسی نماید؛ چنانکه هم خود و هم جانشینش به او تأسی کرد و خانه خدا را از لوث بت‌ها پاک ساخت؛ «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ...»<sup>۱۱</sup>

پیامبر اسلام ﷺ به تدریج آمادگی ابلاغ حج ابراهیمی را در مردم ایجاد می‌کند. او در سال هشتم هجری که با سپاهی عظیم مکه را فتح می‌کند، علی بن ابی طالب علیه السلام را، که بنا بر وعده‌های او جانشین پیامبر و امام و رهبر آینده بود، بر دوش می‌گیرد تا به همراه خود، او نیز بت‌ها را به زیر افکند و بت شکنی ابراهیم را در یادها زنده کند، آیا بدین جهت نیست که پاک کردن خانه خدا از لوث وجود بت‌ها باید اولین بار به دست امام و رهبر جامعه انجام شود تا الگویی برای همگان باشد؟



شخصی انجام می‌گیرد که به مقام امامت نایل شده، هر چند پاره‌ای از شوون آن، پس از رحلت رسول خدا ﷺ محقق خواهد شد.

این همه، حاکی از پیوند عمیقی است که میان کعبه و حج از یک طرف و امامت و رهبری جامعه از طرف دیگر برقرار است و خدای سبحان در مقاطع گوناگون سعی در نمایاندن این پیوند داشته است.

در سال نهم هجری، باز هم علی بن ابی طالب را به امر الهی برای ابلاغ سوره برائت به سرزمین وحی و پایگاه توحید و یکتاپرستی اعزام می‌کند. او مأمور می‌شود تا پیام برائت را از ابی بکر باز پس بگیرد و خود برای ابلاغ آن در موسم حج و در اجتماع عظیم مسلمانان اقدام کند.<sup>۱۲</sup> این پیام که با تأسی به ابراهیم خلیل، قهرمان توحید و بت شکن تاریخ، در سرزمین وحی ابلاغ می‌شود، توسط

### رؤوس سخنرانی‌های رسول خدا در حَجَّة الوداع

- رفتار انسانی با زنان و دختران.
- الغای آثار و بقایای جاهلیت.
- برقراری اخوت و برادری اسلامی میان مسلمانان.<sup>۱۳</sup>
- احترام به حقوق یکدیگر در جامعه.
- تأکید بر ثقلین؛ کتاب و عترت.<sup>۱۴</sup>
- بشارت به امامت و جانشینی علی بن ابی طالب ﷺ.
- بشارت به امامت فرزندان علی بن ابی طالب ﷺ.
- اطاعت از رهبری<sup>۱۵</sup> و ...
- دقت و تأمل در هر یک از سر

- افزون بر رفتار رسول خدا ﷺ، سخنان آن حضرت در حَجَّة الوداع، همچنین سخنرانی‌های متعدد حضرتش در یوم الترویبه در مکه، در عرفات، در روز عید، وسط ایام تشریق و یوم النفر در منا و در صحرای غدیر خم، حکایت از پیوند عمیق حج و ولایت و رهبری در شوون مختلف آن دارد. حضرت از تعالیمی سخن می‌گوید که جز در سایه ولایت و رهبری و حج امکان تمرین و تحقق آن وجود ندارد:
- تأکید بر وحدت انسانی و الغای تمایزات قومی و قبیله‌ای و نژادی.

گردد و ید واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکّل این زندگی توحیدی است.»<sup>۱۶</sup>

آری، بدیهی است بدون چنین تمرینی نمی توان ارزش های انسانی و الهی را به معنای واقعی در جامعه اسلامی تحقّق بخشید و تمرین ارزش های انسانی و الهی در حج ابراهیمی و محمدی ﷺ، که محور اساسی آن ولایت و رهبری است، امکان پذیر است و بس.

فصل های یاد شده، که رسول خدا ﷺ در این سفر و سرزمین وحی به مردم ابلاغ کرد، نشان می دهد که حج، آن هم در پرتو ولایت و رهبری، می تواند جامعه را به سمت صلاح و فلاح سوق دهد.

امام خمینی رحمته الله علیه، احیاگر حج ابراهیمی در عصر حاضر می فرمود:

«از آنجا که جامعه امت اسلامی از هر نژاد و ملیتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد ﷺ پیوند خورد و یکی

### پیوند با ولایت، شرط قبولی حج

هَذَا الْبَيْتِ عَارِفًا بِحَقِّنَا يَهُوَا فِي قَلْبِهِ  
كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ (فَأَجْعَلُ أَفْتِدَاءَ مِنْ  
النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ)<sup>۱۸</sup>».

سپس افزود: «مراد تمایل قلب ها به سمت کعبه نیست، اگر چنین بود باید با ضمیر مفرد (الیه) می فرمود نه جمع (الیهم).

به خدا سوگند آن که ابراهیم فرا خواند تا قلب ها به سوی او متمایل شود، ماییم که در این صورت حش قبول خواهد شد وگرنه نه، و چنین فردی در روز قیامت از عذاب جهنم ایمن

پیوند ولایت و حج، جلوه ها و نشانه های دیگری هم دارد. زید شحام می گوید:

«قتاده بن دعامة بر امام باقر عليه السلام وارد شد، حضرت از او، که معروف به فقیه اهل بصره بود، درباره تفسیر قرآن و آیه مبارکه ﴿قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرُ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِي وَأَيَّاماً آمِنِينَ﴾<sup>۱۷</sup> سؤال کرد، او نیز هر کسی را که با زاد و توشه حلال راهی مکه شود در امان است، معنا کرد، حضرت فرمود: «وَيُحَكَّ يَا قَتَادَةَ ذَلِكَ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ بِزَادٍ وَ زَاحِلَةٍ وَ كَرَاءٍ حَلَالٍ يَرُومُ

خواهد بود.<sup>۱۹</sup> ملاحظه می‌شود که معرفت و شناخت حق ائمه معصومین که همان ولایت و رهبری آنهاست و تمایل قلبی به سوی آنان شرط قبولی حج کسی است که با زاد و توشه حلال راهی بیت الله الحرام شده است و امنیت در قیامت در گرو آن است.

### پیوند با ولایت و رهبری، شرط تمامیت حج

در بعضی از احادیث تمام حج به ملاقات با امام عصر و اعلان آمادگی بر حمایت و اطاعت از او شمرده شده است. امام باقر<sup>علیه السلام</sup> در این زمینه می‌فرماید:

«فعال كفعال الجاهلیة اما والله ما امروا بهذا و ما امروا الا ان ﴿يَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَيُؤْفِقُوا نُذُورَهُمْ﴾<sup>۲۰</sup> فیمروا بنا فیخبرونا بولایتهم و يعرضوا علينا نصرتهم»<sup>۲۱</sup>

«این اعمال مانند اعمال زمان جاهلیت است، آگاه باشید، به خدا سوگند مردم به حج مأمور نشدند، مأمور نگشتند مگر این که مناسک حج و حلق و تقصیر به جا آورده، به عهد و نذرهای خویش وفا کنند (یعنی به ملاقات امام

آیند) بر ما بگذرند و ولایت و محبتشان را به ما اطلاع دهند و نصرت و یاری خود را بر ما عرضه نمایند.»

امام<sup>علیه السلام</sup> عمده‌ترین تفاوتی که بین «اعمال حج در عصر جاهلیت» و «اعمال مناسک حج پس از ظهور اسلام» قائل شده و بر آن انگشت اشارت نهاده، «امامت و ولایت» است، ابراز محبت و علاقه به امام و اعلان آمادگی برای نصرت و یاری او در جهت نیل به اهداف متعالی امام. به راستی چه راز و رمزی در امامت و ولایت نهفته است که حج ابراهیمی را از حج جاهلی امتیاز می‌بخشد؟!!

### امنیت حرم الهی در پیوند با رهبری

در بعضی از احادیث، امنیت حرم، که به درخواست ابراهیم خلیل از خداوند

سبحان تأمین شد، در پرتو حضور امام و پیوند با او دانسته شده است.

الحرام) داخل شود، ایمن باشد، پس هر که با او (قائم ما خاندان) بیعت کرده، با او داخل خانه خدا شود و دست او را مسح نماید و در عقد و پیمان یاران او درآید، ایمن خواهد بود.»

شاید مقصود امام علیه السلام بیان این نکته باشد که تأمین امنیت خانه خدا در پرتو بیعت با امام زمان و یاری و حمایت از او و در نتیجه حاکمیت او بر این سرزمین به دست می آید و گواهی آن که در اعصار مختلف با حاکمیت حاکمان جور این امنیت مخدوش شده است، حتی شخصیتی چون امام حسین علیه السلام جانش در این سرزمین در معرض تهدید قرار گرفته است.

امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه مبارکه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» از ابوحنیفه سؤال می کند: در حالی که حجاج کعبه را به منجنیق بسته و ابن زبیر در درون خانه بود، پس امنیت مورد نظر در آیه چه امنیتی است؟ ابوحنیفه از پاسخ به این پرسش عاجز ماند، امام فرمود:

«سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّاماً آمِنِينَ»<sup>۲۲</sup>  
یعنی مع قائمنا أهل البيت «وَمَنْ دَخَلَهُ  
كَانَ آمِنًا»<sup>۲۳</sup> فمن بايعه و دخل معه و  
مسح علی یده و دخل فی عقد اصحابه  
كان آمناً»<sup>۲۴</sup>

«شبها و روزها در این ده و شهرها با ایمنی کامل سفر کنید؛ یعنی با قائم ما خاندان، «و هر که در آنجا (بیت الله

### پیوند ابدی حج با امامت

کنار خانه خدا، پشت به مقام و بر آوردن صلاهی توحید و فراخوانی عمومی<sup>۲۵</sup>، بیعت با یاران در مسجد الحرام و در میان رکن و مقام<sup>۲۶</sup>، حکایت از ارتباط تنگاتنگ حج و امامت دارد.

مبارزه با شرک و کفر و ظلم و بی عدالتی و برپایی قسط و عدالت در پهنه گیتی نیز از سرزمین وحی و کنار

نه تنها بنیان کعبه و حج در تداوم حیات آن، در پیوند عمیق با امامت و رهبری است، بلکه سرنوشت ابدی آن نیز با ولایت و رهبری گره خورده است. حضور همه ساله امام عصر (عج) منجی عالم بشریت در موسم حج و نظارت بر رفتار و عملکرد مسلمانان و بالأخره ظهور آن حضرت در سرزمین وحی و در



خواهد بود. همانطور که ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله حرکت خود را از این پایگاه آغاز کردند، بلکه برای جانشینان خویش نیز همین مکان را به عنوان پایگاه معرفی کردند. به همین جهت امام عصر (عج) نیز حرکت خود را از این سرزمین آغاز خواهد کرد که نشانه‌ای از پیوند این سرزمین، مرکز توحید حج ابراهیمی با امامت است.

خانه خدا آغاز می‌شود. در بعضی از روایات «یوم الحج الأكبر» در آیه مبارکه ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾<sup>۲۷</sup> را روز ظهور آن حضرت دانسته‌اند که مردم را از جانب خدا و رسول او به قیام فرامی‌خواند.<sup>۲۸</sup> سرزمین وحی، پایگاه توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی بوده و

### اقامه حج ابراهیمی در سایه حکومت اسلامی

در طول تاریخ، حاکمان اسلامی مقید بودند تا شخصی واجد شرایط را به عنوان «امیر الحاج» نصب کنند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نصب سرپرست -لااقل برای حجاج ایرانی- از سوی رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی ره با نگرشی که او به حج و رسالت حجاج داشت و تحولی که در پرتو آن در حج ایجاد شد، هر چند با موانع فراوانی از سوی دشمنان آگاه و دوستان جاهل روبرو گردید، گواه روشن بر نقش منحصر به فردی است که حکومت می‌تواند در حج ایفا کند؛ نقشی که از غیر حکومت برآورده شدنی نیست.<sup>۲۹</sup>

افزون بر مظاهر متعددی که از پیوند حج و امامت بیان شد، اساساً برپایی حج ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله با خصوصیات و ویژگی‌های آن، جز در پرتو حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست؛ به ویژه که برای تأمین اهداف حج، «امارت حج» و نقش امیرالحاج مطرح است. ضرورت وجود امیرالحاج در موسم حج از جهات مختلف و نصب او از سوی حاکم اسلامی در صدر اسلام و نیز حکومت‌های بعدی نشانه حضور جدی حکومت در حج است. با فقدان حکومت، مراسم حج بدون امیر انجام شده و بسیاری از اهداف آن تأمین نخواهد شد.

به نظر می‌رسد هر اقدامی که نقش حکومت را در حج تضعیف کند و پاره‌ای از اهداف حج بر زمین بماند، با فلسفه حج ناسازگار است. از چندی پیش زمزمه خصوصی سازی حج بر سر زبان‌ها بود و اکنون با تأسف به مرحله عمل درآمده است. اگر مقصود از خصوصی سازی حج تنها مربوط به امور خدماتی و امثال آن باشد ظاهراً منافاتی با فلسفه و اهداف حج ندارد، اما اگر خصوصی شدن به معنای خارج شدن امر حج از اختیار حکومت اسلامی باشد؛ به طوری که حکومت اسلامی نتواند با اهرم‌های لازم در جهت اهداف متعالی حج قدم بردارد، چنین تصمیمی حج را از هویت اصلی خارج کردن است. پیوند عمیق و گسترده‌ای که در میان «حج و حکومت» برقرار است، آثار و برکات فراوانی دارد و گسستن این پیوند جز لطمه زدن به حج و آن را به صورت عبادتی فردی و خشک و بی‌ثمر در آوردن و به تعبیر امام راحل عظیم الشان در حد یک سفر زیارتی - سیاحتی تنزل دادن<sup>۳۰</sup>، نتیجه دیگری ندارد. از این رو مقوله خصوصی سازی در این زمینه، به خصوص حج، نیاز به تأمل و دقت فراوانی دارد تا همه ابعاد و

جوانب آن سنجیده شود. اما بعضی از ویژگی‌ها و خصوصیات که در حج، حاکی از نقش حکومت در حج است، عبارتند از:

#### الف - وحدت مسلمانان

بی‌شک یکی از اهداف متعالی حج، ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل امت واحد اسلامی است. پیامبر گرامی ﷺ برای رسیدن به اهداف اسلام در جهان، به دنبال تشکیل امت واحد اسلامی بود؛ چرا که بدون تشکیل چنین امتی، امکان به دست گرفتن قدرت جهانی و تأسیس حکومتی فراگیر برای تحقق اهداف کلان اسلامی وجود ندارد. اقامه قسط و عدالت در جهان، بدون خارج کردن قدرتمندان دنیا طلب و مستکبران فزون طلب عملی نخواهد شد و خارج نمودن آنان از صحنه، در گرو وحدت اسلامی و ایجاد قدرتی واحد و منسجم از مسلمانان از هر قوم و ملیت و نژاد و قبیله‌ای است و چون این هدف به طور کامل در آخرالزمان و با ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) تحقق خواهد یافت، حج با چنین هدفی تشریح شده تا ضمن تحقق وحدت اسلامی به



احساسی زندگی کند. به وجود آمدن چنین وحدتی به طور کامل در سایه حکومت ممکن است. حکومت است که می تواند شرایط حضور همه جانبه اقشار مختلف را بدون کمترین تبعیض فراهم سازد. حکومت است که می تواند در حج، تخطی از این محور اساسی را مانع شود و تفرقه افکنان و جدایی طلبان در صوف مسلمانان را تأدیب نماید. حکومت است که با اهرم هایی که در اختیار دارد، زمینه های تحقق این وحدت را فراهم کرده و موانعش را برطرف می کند؛ زیرا همگان به چنین وحدتی رضایت نداشته و کوته فکران و جاهلانی هستند که از موانع جدی وحدت اسلامی به شمار می روند. امام خمینی علیه السلام از سران سرسپرده کشورهای اسلامی و آخوندهای بی سواد درباری به عنوان دو گروه تفرقه افکن یاد می کرد و می فرمود:

«طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی، از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می برند و عقاب از خدا بی خیر آنان از آن جمله و عَظاُ السَّلاطین که از سلاطین جور سیاه روی ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می زنند و

قدر امکان در اعصار مختلف، زمینه وحدت اسلامی به طور کامل در آن زمان فراهم باشد. اصرار بر اقامه حج و تعطیل نشدن آن، هر چند به قیمت مجبور کردن مردم و پرداخت هزینه حج از بیت المال مسلمین گواه بر این واقعیت است که قانون گذاری حکیم به هدفی والا می اندیشید و نیل به آن هدف را در سایه حج، با استعدادهای و ظرفیت های فوق العاده اش مشاهده می کرد. در جهان بشریت، اجتماعی با شکوه تر و فراگیرتر از حج وجود ندارد و اسلام با فراهم آوردن این اجتماع بی نظیر، عملاً در جهت جهانی شدن خویش و حاکمیت بر گیتی قدم برداشته است. در حج است که همه مسلمانان از سیاه و سفید، عرب و عجم، آزاد و بنده، رئیس و مرئوس، حاکم و رعیت، همه و همه در یک زمان و در یک مکان در کنار یکدیگر و با لباسی متحد اجتماع می کنند و همگی اعمال و مناسک مشترکی را به جا می آورند و بدین سان به وحدتی عمیق و گسترده در میان خویش نیل می شوند. هیچکس خود را برتر از برادر مسلمانش احساس نمی کند، این احساس را در حج تمرین می کند تا در طول حیاتش با چنین

و بدین وسیله زمینه بیداری مردم را از مظالم بنی امیه فراهم ساخت<sup>۳۳</sup>. امام خمینی<sup>ره</sup> در این باره فرمود:

«حضرت باقر<sup>علیه السلام</sup> وقتی که می‌خواستند فوت کنند، وصیت کردند که ده سال ظاهراً که در منا اجیر کنند کسی را، کسانی را که برای من گریه کنند. این چه مبارزهای است؟ حضرت باقر احتیاج به گریه داشت؟ حضرت باقر می‌خواست چه کند گریه را؟ آن وقت هم در منا چرا؟ ایام حج در منا این همین نقطه اساسی، سیاسی، روانی، انسانی است که ده سال در آنجا گریه کنند. خوب مردم می‌آیند می‌گویند چه خبر است، چیست؟ می‌گویند این طور بود، این توجه می‌دهد نفوس مردم را به این مکتب و ظالم را منهدم می‌کند و مظلوم را قوی می‌کند. ما جوان‌ها دادیم، کربلا جوان‌ها داده، ما این را باید حفظش کنیم.»<sup>۳۴</sup>

در عصر ما نیز امام خمینی<sup>ره</sup> در دوران تبعید با ارسال پیام‌هایی در موسم حج برای مسلمانان بلاد مختلف، در جهت بیدار کردن ملل مسلمان از مسائل و مشکلات جهان اسلام قدم‌های مؤثری برمی‌داشت. او می‌فرمود:

گریبان چاک می‌کنند و در هر منطقه به امید آن که اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند؛ طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند.»<sup>۳۱</sup>

### ب - حج و بیداری اسلامی

بی‌تردید رشد و تعالی هر ملتی در گرو «آگاهی و بیداری» است. ملت فرو خفته و ناآگاه از آنچه که در اطرافش می‌گذرد، نمی‌تواند به رشد و تکامل دست یابد و «امت برتر» گردد. حج ظرفیت بسیار بالایی برای دستیابی به این هدف دارد. در حج که مسلمانان از بلاد دور و نزدیک جمع می‌شوند، زمینه تبادل نظریه، بیان ویژگی‌های هر منطقه و هر قوم و قبیله و ملتی و در نتیجه آگاهی مردم فراهم می‌شود.

در طول تاریخ، مردان بزرگ و مصلحان و بیدارگران، از فرصت حج برای بیدار کردن مسلمانان استفاده می‌کردند.

امام حسین<sup>علیه السلام</sup> در سرزمین مناطی یک سخنرانی، پرده از جنایات و خیانت‌های معاویه برداشت<sup>۳۲</sup>.

امام باقر<sup>علیه السلام</sup> وصیت کرد که تا ده سال در سرزمین منا برای او عزاداری کنند



قابل قیاس باشد؟ آیا علما و دانشمندان و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی که با حمایت نظام جمهوری اسلامی می‌توانند در موسم حج نقش آفرینی کنند و به بیداری امت اسلامی برخیزند، می‌تواند با اقدامات انفرادی تعدادی از علما و دانشمندان مقایسه شود؟ بدیهی است که نمی‌توان نقش مؤثر حکومت را در این زمینه انکار کرد و یا نادیده گرفت.

### ج - حل مشکلات مسلمانان و مستضعفان

یکی دیگر از اهدافی که در حج تأمین می‌شود «حل مشکلات مسلمانان» است. بیداری مسلمین، حل مشکلات مسلمانان را به دنبال دارد. حج که کانون اجتماع همه اقشار؛ اعم از دانشمندان، ثروتمندان، امیران، صاحب‌منصبان، سیاستمداران و عموم مردم است، فرصتی استثنایی است برای تشکیل جلسات و گردهمایی‌های متنوع در موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تبادل نظریه میان متخصصان هر فن، تا از این رهگذر مشکلات جهان اسلام مرتفع شود. متأسفانه از این فرصت استثنایی آن گونه که شایسته است بهره گرفته

«بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می‌کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملت‌ها، بیانیه‌های مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت نشر دهند و در آن بیانیه‌ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب العین خود قرار داده، اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیاندیشند.»<sup>۳۵</sup>

بی‌شک بیداری اسلامی، چنانکه از سوی حکومتی اسلامی پی‌گیری و حمایت شود، زودتر به نتیجه خواهد رسید. حکومت با اطلاع و احاطه‌ای که به مسائل جهان اسلام و طرح‌ها و ترندهای دشمنان اسلام و مسلمین دارد و با ابزارهایی که در اختیار او است، بهتر و بیشتر می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. آیا بیداری اسلامی، که از سوی بعضی از شخصیت‌های متهد و دلسوز ایرانی و غیر ایرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در موسم حج انجام می‌گرفت، می‌تواند با نقشی که امروزه نظام جمهوری اسلامی در این زمینه در موسم حج ایفا می‌کند،

نمی‌شود. از همین رو حضرت امام خمینی علیه السلام حج را محجور می‌دانست و می‌فرمود:

«اکنون که موسم حج بیت الله الحرام است و مسلمین از اطراف جهان به زیارت خانه خدا آمده‌اند، لازم است در خلال اعمال شریفه حج به یکی از بزرگترین فلسفه این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی رسیدگی کرده و از گرفتاری‌های برادران ایمانی خود مطلع گشته و در رفع آن در حد وظیفه اسلامی و وجدانی کوشش کنند. اهتمام بر امر مسلمین از فرایض مهم اسلام است.»<sup>۳۶</sup>

امام خمینی علیه السلام از این که فلسفه مهم حج مورد غفلت قرار گرفته، اظهار تأسف نموده، می‌فرمود:

«در این فکر ابداً نیستیم که اولاً کسانی که می‌توانند بروند، بروند مشرف شوند در خانه خدا و کسانی که اصحاب تفکر هستند، نویسنده هستند، روشنفکر هستند و عالم هستند، در آن محیط مجتمع بشوند و مشکلات مسلمین را در تمام جهان بررسی کنند، آنچه که می‌توانند حل کنند. ما

الآن از تشریف مکه و حج بیت‌الله جز این که یک دسته اشخاص عامی مردم، عامه مردم در آنجا مجتمع بشوند و اشخاص مؤثری که می‌توانند از حکومت‌ها، از بزرگان قوم در آنجا می‌توانند مجتمع بشوند و مسائل اسلام و مسائل مسلمین را در مسائل سیاسی و اجتماعی مسلمین بررسی کنند، مع‌الأسف این امر مغفول عنه است.»<sup>۳۷</sup>

همان‌طور که در کلمات امام راحل ملاحظه می‌شود، حل مشکلات اساسی اسلام و مسلمین نیازمند حضور افراد و شخصیت‌های مؤثر است، و مؤثرترین افراد حکومت‌ها و نمایندگان آنانند. آنچه که امروزه نظام جمهوری اسلامی و حکومت‌های اسلامی دیگر می‌توانند گره از مشکلات مسلمین بگشایند، از افراد و شخصیت‌هایی که به صورت انفرادی برای حل مشکلات اقداماتی انجام می‌دهند، به مراتب بیشتر و مؤثرتر است؛ به طور طبیعی حکومت می‌تواند همه توان و ظرفیت و امکانات خود را برای حل معضلات جهان اسلام به کار گیرد و در صورت لزوم نیروهای لازم را برای این امر بسیج کند، در حالی که توان افراد و گروه‌ها بسیار محدود است.



## برائت از مشرکان

به تعبیر امام راحل: «فریاد برائت مکه و مدینه است که پایان بخش غارتگری آمریکا و سایر مستکبران نسبت به ذخایر مسلمین است.»<sup>۳۸</sup> در صدر اسلام نیز پس از تأسیس حکومت اسلامی در مدینه و استقرار آن، ابلاغ پیام برائت بر عهده رسول گرامی ﷺ نهاده شد و آن حضرت نیز امیر مؤمنان علیؑ را به این مأموریت اعزام کرد. اساساً اعلان برائت از شرک و بت پرستی و مشرکان و مستکبران، به طوری که کیان آنان را در معرض خطر قرار دهد، چنانکه مستظهر به قدرت حکومت نباشد، کاری بس دشوار و گاهی غیر ممکن است. برای آن که اعلان برائت از مشرکان به ثمر نشیند، لازم است که از پشتوانه‌ای قوی و نیرومند برخوردار باشد تا با تحمّل کمترین صدمات، بیشترین ثمر را برای اسلام و مسلمین به ارمغان آورد، هر چند در صورت محرومیت از چنین پشتوانه‌ای هم، اعلان برائت از مشرکان به قدر توان لازم است.

باری، از مجموع اهداف یاد شده و

نکته مهم دیگری که حج ابراهیمی و محمدی ﷺ بدون آن، معنا و مفهومی ندارد، «برائت از مشرکان» است؛ همان چیزی که در عصر رسول خدا ﷺ به پیروی از ابراهیم خلیلؑ احیا شد و در عصر ما توسط امام خمینی، احیاگر حج ابراهیمی، بار دیگر مطرح گردید. اعلان برائت از مشرکان و مستکبران عالم و حمایت از محرومان و مظلومان و مستضعفان، فلسفه مهم دیگر حج است که خود حکایت از پیوند حج با حکومت دارد؛ زیرا این مهم بدون حضور حکومت و حمایت جدی آن از زائران بیت الله الحرام عملی نمی‌شود. برائت انفرادی از سوی تعدادی از افراد یا گروه‌ها به صورتی پراکنده و متفرق و به تشخیص خویش، هر چند بی ثمر و بدون تأثیر نیست، اما هدف اصلی از تشریح این دستور را تأمین نمی‌کند. برائتی دارای اثر و ثمر است که با هدایت امام و حاکم جامعه از سوی همه حجج بیت الله الحرام و در اجتماعی عظیم و کم نظیر و به صورتی متشکل و منسجم انجام شود.

نیز آرمان‌های دیگری که سبب تشریح عبادتی چون حج گردیده، برمی آید که میان این عبادت جمعی با حکومت، پیوندی مستحکم برقرار است؛ چرا که بعد سیاسی این عبادت به حدی است که تأمین آن از عهدهٔ افراد خارج است و تشکلی قوی و برخوردار از امکانات فراوان همچون حکومت را می‌طلبد. از همین رو نظام جمهوری اسلامی و هر

حکومتی که داعیهٔ اسلامیت دارد، در عرصهٔ حج وظایفی سنگین و اساسی بر عهده دارد. نمی‌توان حکومتی را اسلامی خواند ولی نسبت به تحقق اهداف و آرمان‌های حج بی‌تفاوت بود، حکومت اسلامی نمی‌تواند خود را از این شأن و مقام تنزل دهد و امر حج را به افراد یا سازمان‌های غیر حکومتی واگذارد.

### ● پی‌نوشتها:

- ۱- بقره: ۱۲۴
- ۲- علامه محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۱۳
- ۳- امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۰
- ۴- همان
- ۵- بحار الأنوار، ج ۱۲، صص ۱۲۷ - ۱۲۵
- ۶- همان، ص ۱۱۳
- ۷- حج، ۲۷
- ۸- ابومنصور طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۱۳۴
- ۹- همان صص ۱۳۹ - ۱۳۵
- ۱۰- مانده: ۶۷
- ۱۱- بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۷۵
- ۱۲- ممتحنه: ۴
- ۱۳- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۰
- ۱۴- علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۷۱
- ۱۵- تحف العقول، ص ۳۰



- ۱۶- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۸
- ۱۷- سیأ: ۱۸
- ۱۸- ابراهیم: ۳۷
- ۱۹- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۳۷
- ۲۰- حج: ۲۹
- ۲۱- الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۹۱
- ۲۲- سیأ: ۱۸
- ۲۳- آل عمران: ۹۷
- ۲۴- شیخ صدوق، عمل الشرایع، ص ۸۹
- ۲۵- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹
- ۲۶- همان، ج ۵۲، ص ۳۰۴
- ۲۷- توبه: ۵
- ۲۸- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۷۶، ح ۱۵
- ۲۹- در این موضوع نگاه کنید به فصلنامه «میقات حج» ش ۳۰ مقاله «امارت حج و زعامت حجاج».
- ۳۰- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۷
- ۳۱- همان، ج ۱۵، ص ۱۲۴
- ۳۲- موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۲۷۱ «اما بعد فان هذه الطاغية قد فعل بنا و بشيعتنا ما قدر ایتم و علمتم و شهدتم و انی ارید ان أسألکم عن شیء فان صدقت فصدقونی و ان کذبت فکذبونی، اسمعوا مقالیتی و اکتبوا قولی ثم ارجعوا الی امصارکم و قبائلکم فمن آمنتم من الناس و وثقتم به فادعوهم الی ما تعلمون من حقنا فانی ما تخوف ان یدرس هذه الامر و یذهب الحق و یغلب و الله متم نوره و لو کره الکافرون»
- امام حسین علیه السلام از علماء و بزرگانی که مخاطب بودند، می خواهد که سخنان او را بشنوند و بنویسند و پس از بازگشت به شهر و دیار خویش به مردم ابلاغ کنند و آنان را نسبت به حق اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاه سازند.
- ۳۳- محمد باقر مجلسی، جلاء العیون، ص ۶۹۲
- ۳۴- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۷
- ۳۵- همان، ج ۱، ص ۱۵۶ سال ۱۳۴۹/۱۱/۱۹
- ۳۶- همان، ج ۲، ص ۱۷۲
- ۳۷- همان، ج ۱۳، ص ۱۲۳
- ۳۸- همان، ج ۲۰، ص ۲۳۳



## فهرست یک‌ساله مقالات «میقات حج» (سال هشتم)

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۹	۵	حضرت امام خمینی - قدس سره -	حج در کلام رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی
۲۹	۷	مد ظله العالی -	حج در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای

### ● اسرار و معارف حج

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۹	۱۰	محمد علوی مقدم	۱- حج در کتاب خداوند (۴)
۲۹	۲۸	محمد حسین فضل‌الله / مصطفی پاینده	۲- ابعاد عرفانی، تربیتی و عبادی حج
۳۰	۱۳	محمد تقی رهبر	۳- امام خمینی و عرفان
۳۰	۴۰	محسن صالحی مازندرانی	۴- آثار و ابعاد تربیتی و معنوی اسرار حج از دیدگاه امام <small>علیه السلام</small>
۳۰	۲۳۹	محمد سبحانی نیا	۵- حج ابراهیمی و مبانی آن از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۳۱	۶	محمد علوی مقدم	۶- حج در کتاب خداوند (۵)
۳۱	۲۷	محمد نقدی	۷- نگاهی به اسرار و معارف حج
۳۲	۶	محمد علوی مقدم	۸- حج در کتاب خداوند (۶)
۳۲	۲۵	لییب بیضون / مصطفی پاینده	۹- اهداف حج

● **فقه حجّ**

مقاله	نویسنده	ش	ص
۱- پژوهشی در ذبح نیابتی	مهدی مهریزی	۳۰	۱۳۷
۲- تقیة مداراتی	محمد رحمانی	۳۰	۱۵۱
۳- خذ و حکمت مدارا	محمد سروش محلاتی	۳۰	۱۷۸

● **تاریخ و رجال**

مقاله	نویسنده	ش	ص
۱- احکام و فرمانهای حج در زمان ایلخانان	رسول جعفریان	۲۹	۴۴
۲- حمزه سید الشهداء (ع) (۲)	محمد صادق نجمی	۲۹	۶۴
۳- حضرت حمزه (ع) در جنگ احد (۳)	محمد صادق نجمی	۳۱	۴۸
۴- جامعه شیعه در مدینه - نخواستله (۲)	رسول جعفریان	۳۱	۷۰
۵- شهدای جنگ احد	محمد صادق نجمی	۳۲	۳۴
۶- حج گزارای ایرانیان در دوره قاجار	رسول جعفریان	۳۲	۵۳

● **اماکن و آثار**

مقاله	نویسنده	ش	ص
۱- المشاهد المشرفة والوهابیون (۱)	شیخ محمدعلی سنقری حائری / رضا مختاری	۲۹	۸۸
۲- پیدایش آذین و نوشته بر جامه کعبه	د. محمد الدقن / هادی انصاری	۲۹	۱۰۸
۳- ساختمان سازی در اطراف کعبه	سیدعلی قاضی عسکر	۲۹	۱۲۳
۴- زمزم (۲)	محمد تقی رهبر	۲۹	۱۳۰
۵- تبرک و استشفای به زمزم (۳)	محمد تقی رهبر	۳۱	۹۴
۶- جامه کعبه در دوران عثمانی	د. محمد الدقن / هادی انصاری	۳۱	۱۱۳
۷- حیره و نکاتی درباره ارتباطش با دیگر قبایل	M.j.kistye / محمد رحمتی	۳۱	۱۲۶
۸- ویژگی های حرم	محمد رضا هفت تنانین	۳۱	۱۴۵
۹- المشاهد المشرفة والوهابیون (۲)	شیخ محمدعلی سنقری حائری / رضا مختاری	۳۱	۱۶۶
۱۰- زمزم در تحولات تاریخ	محمد تقی رهبر	۳۲	۸۶

۱۰۳	۳۲	د. محمد الدقن / هادی انصاری	۱۱ - جامه کعبه در عصر جدید
۱۱۴	۳۲	M.j.kistye / محمد رحمتی	۱۲ - حیره و نکاتی درباره ارتباطش با دیگر قبایل

### ● حج در آیین ادب فارسی

مقاله	نویسنده	ش	ص
۱ - مدیحه رسول خدا(ص) ...	محمدصادق نجمی	۲۹	۱۵۴
۲ - میقات بندگی	صدیقه مردانی	۲۹	۱۵۷
۳ - کعبه و قربانی در مثنوی «طاقدیس»	جواد محدثی	۳۲	۱۳۰

### ● خاطرات

مقاله	نویسنده	ش	ص
۱ - سفرنامه کشمیری (۱۱۵۴ - ۱۱۵۵ هـ.ق.)	محمد آصف فکرت	۲۹	۱۹۰
۲ - سفرنامه حاج لطفعلی خان اعلائی	به کوشش: سیدعلی قاضی عسکر	۳۲	۱۵۴

### ● از نگاهی دیگر

مقاله	نویسنده	ش	ص
۱ - نگاهی به مطبوعات عربستان		۲۹	۲۱۲
۲ - نگرش سیستمی و جهانشمول در پیامهای حج امام <small>علیه السلام</small>	احمد پور نجانی	۳۰	۵
۳ - امارت حج و زعامت حجاج	سید جواد ورعی	۳۰	۷۵
۴ - تبیین حکم امام <small>علیه السلام</small> بر حضور شیعیان در نمازهای حرمین شریفین	محمد صادق نجمی	۳۰	۱۰۳
۵ - نقش حج در تقریب مذاهب اسلامی	نادعلی صالحی	۳۰	۱۹۴
۶ - برائت از مشرکان از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	علیرضا اسماعیل آبادی	۳۰	۲۱۶
۷ - امام خمینی از دیدگاه زائران غیر ایرانی خانه خدا	سید علی قاضی عسکر	۳۰	۲۳۱
۸ - امام خمینی <small>علیه السلام</small> و حج در مطبوعات کشور		۳۰	۲۵۹
۹ - دیدگاههای شیعه در مسائل مربوط به تقریب	جعفر سبحانی	۳۱	۱۸۷
۱۰ - عناصر مؤثر در تقریب مسلمانان	جعفر سبحانی	۳۲	۱۷۶

۱۹۷	۳۲	سیدجواد ورعی	۱۱ - پیوند حج با امامت و ولایت
-----	----	--------------	--------------------------------

**● نقد و معرفی کتاب**

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۷	۱۸۰	مهدی مهریزی	۱ - کتابخانه‌های مدینه منوره

**● گفتگو**

ش	ص	نویسنده	مقاله
۳۰	۵۲		۱ - حج و پیوند آن با مسائل جهانی در گفتگو با آیه الله هاشمی رفسنجانی
۳۲	۱۴۰		۲ - نشست با رییس محترم سازمان حج و زیارت

# فهرست مؤلفان مقاله‌های «میقات حج» (سال هشتم)

ش	ص	نام مقاله	نویسنده
۱۹۰	۲۹	سفرنامه کشمیری (۱۱۵۴-۱۱۵۵ ه.ق.)	آصف فکرت، محمد
۲۱۶	۳۰	برائت از مشرکان از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	اسماعیل آبادی، علیرضا
۱۰۸	۲۹	پیدایش آذین و نوشته بر جامه کعبه	انصاری، هادی / محمد الدقن
۱۱۳	۳۱	جامه کعبه در دوران عثمانی	انصاری، هادی / محمد الدقن
۱۰۳	۳۲	جامه کعبه در عصر جدید	انصاری، هادی / محمد الدقن
۲۵	۳۲	اهداف حج	پاینده، مصطفی / لیبیب بیضون
۲۸	۲۹	ابعاد عرفانی، تربیتی و عبادی حج	پاینده، مصطفی / محمد حسین فضل الله
۵	۳۰	نگرش سیستمی و جهانشمول در پیامهای حج امام <small>علیه السلام</small>	پورنجاتی، احمد
۴۴	۲۹	احکام و فرمانهای حج در زمان ایلخانان	جعفریان، رسول
۷۰	۳۱	جامه شیعه در مدینه - نخواستله (۲)	جعفریان، رسول
۵۳	۳۲	حج گزاری ایرانیان در دوره قاجار	جعفریان، رسول
۱۵۱	۳۰	تقیه مداراتی	رحمانی، محمد
۱۲۶	۳۱	حیره و نکاتی درباره ارتباطش با دیگر قبایل	M.j.kistye / محمد
۱۱۴	۳۲	حیره و نکاتی درباره ارتباطش با دیگر قبایل	M.j.kistye / محمد

شماره	شماره	نام مقاله	نویسنده
۱۳	۳۰	امام خمینی و عرفان	رهبر، محمدتقی
۹۴	۳۱	تبرک و استشفای به زمزم (۳)	رهبر، محمدتقی
۱۳۰	۲۹	زمزم (۲)	رهبر، محمدتقی
۸۶	۳۲	زمزم در تحولات تاریخ	رهبر، محمدتقی
۱۸۷	۳۱	دیدگاه‌های شیعه در مسائل مربوط به تقرب	سبحانی، جعفر
۱۷۶	۳۲	عناصر مؤثر در تقرب مسلمانان	سبحانی، جعفر
۲۳۹	۳۰	حج ابراهیمی و مبانی آن از دیدگاه امام خمینی <small>رحمته‌الله</small>	سبحانی‌نیا، محمد
۱۷۸	۳۰	خُد و حکمت مدارا	سروش محلاتی، محمد
۴۰	۳۰	آثار و ابعاد تربیتی و معنوی اسرار حج از دیدگاه امام <small>رحمته‌الله</small>	صالحی مازندرانی، محسن
۱۹۴	۳۰	نقش حج در تقرب مذاهب اسلامی	صالحی، نادعلی
۶	۳۱	حج در کتاب خداوند (۵)	علوی مقدم، محمد
۱۰	۲۹	حج در کتاب خداوند (۲)	علوی مقدم، محمد
۶	۳۲	حج در کتاب خداوند	علوی مقدم، محمد
۲۳۱	۳۰	امام خمینی از دیدگاه زائران غیر ایرانی خانه خدا	قاضی‌عسکر، سیدعلی
۱۲۳	۲۹	ساختمان سازی در اطراف کعبه	قاضی‌عسکر، سیدعلی
۱۵۴	۳۲	سفرنامه حاج لطفعلی‌خان اعلایی	قاضی‌عسکر، سیدعلی
۱۳۰	۳۲	کعبه و قربانی در مثنوی «طاق‌دیس»	محدثی، جواد
۸۸	۲۹	المشاهد المشرفة والوهابیون (۱)	مختاری، رضا / شیخ محمدعلی سنقری حائری
۱۶۶	۳۱	المشاهد المشرفة والوهابیون (۲)	مختاری، رضا / شیخ محمدعلی سنقری حائری
۱۵۷	۲۹	میقات بندگی	مردانی، صدیقه
۱۳۷	۳۰	پژوهشی در ذبح نیابتی	مهریزی، مهدی
۱۸۰	۲۷	کتابخانه‌های مدینه منوره	مهریزی، مهدی
		تبیین حکم امام <small>رحمته‌الله</small> بر حضور شیعیان در نمازهای	نجمی، محمدصادق
۱۰۳	۳۰	حرمین شریفین	
۴۸	۳۱	حضرت حمزه (ع) در جنگ احد (۳)	نجمی، محمدصادق



ش	ص	نام مقاله	نویسنده
۶۴	۲۹	حمزه سید الشهدا(ع) (۲)	نجمی، محمدصادق
۳۴	۳۲	شهدای جنگ احد	نجمی، محمدصادق
۱۵۴	۲۹	مدیحه رسول خدا(ص) ...	نجمی، محمد صادق
۲۷	۳۱	نگاهی به اسرار و معارف حج	نقدی، محمد
۷۵	۳۰	امارت حج و زعامت حجاج	ورعی، سیدجواد
۱۹۷	۳۲	پیوند حج با امامت و ولایت	ورعی، سیدجواد
۱۴۵	۳۱	ویژگی‌های حرم	هفت‌تنانیان، محمدرضا

